




سخن سردبیر

علی دیوانداری 

استاد، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: divandari@ut.ac.ir

پژوهش‌های تفسیری و کمک به درک پیچیدگی‌های مدیریت

مسائل حوزه مدیریت از پیچیدگی ویژه‌ای برخوردارند که به‌طور عمده از پیچیدگی سازمان و محیط آن نشئت می‌گیرد و از آنجا که قوانین ساده به شیوه‌های پیش‌بینی‌ناپذیر رفتارهای پیچیده تولید می‌کنند، گاهی رفتارهای این سیستم‌ها در مقیاس بزرگ (در سطح کلان) نوظهور نامیده می‌شوند. بنابراین چنین سیستم‌هایی، رفتارهای نوظهور غیربديهی از خود نشان می‌دهند. پیچیدگی قبل از همه به‌صورت عدم امکان ساده‌کردن مطرح می‌شود و جایی ظاهر می‌شود که وحدت پیچیده، نوپیدایی‌های خود را به‌وجود می‌آورد؛ تمایزها و روشنی‌ها در هویت‌ها و علیت‌ها از بین می‌رود، بی‌نظمی‌ها و عدم یقین‌ها پدیده‌ها را دستخوش اختلال می‌کنند، سوژه - مشاهده‌گر در مقابل چهره خود را در ابژه مورد مشاهده خود کشف می‌کند و در نهایت، جایی که تناقض منطقی، جریان تعقل را از مسیر خود منحرف می‌کند. بنابراین ابژه‌ها تنها ابژه نیستند، چیزها، چیزها نیستند، تمام ابژه‌های مشاهده یا مطالعه در رابطه با سازمانشان، محیطشان، مشاهده‌گرشان فهم می‌شوند. چنین اتصالی از پندارهایی که تاکنون از هم جدا بوده‌اند، ما را به هسته اصلی خود پیچیدگی نزدیک می‌کند.

پدیدارشناسی با برجسته‌سازی نقش مشاهده‌گر به ما در درک پیچیدگی کمک می‌کند. بدین‌سان پدیدارشناسی که به‌صورتی مضاعف منفصل و بی‌طرف است، می‌تواند احکام جدی و معنادار در هر عصر را مشخص کند. پدیدارشناسی نوعی تلاش سازنده و بازسازنده است. شعار «به‌سوی خود چیزها» در وهله اول غایتی ایجابی دارد؛ ما را فرا می‌خواند به اینکه روی آوریم به پدیدارهایی که قالب‌ها و الگوهای پیش روی آن‌ها سد راه دیدنشان شده‌اند.

رویکرد پدیدارشناسانه، خلاف فرضیه‌های تبیینی است. این رویکرد خود را به بداهت بی‌واسطه مشاهده شهودی محدود می‌کند. ویژگی ایجابی‌تری از رویکرد پدیدارشناسانه، آن است که این رویکرد تلاشی است قاطعانه برای غنا بخشیدن به جهان تجربه ما از طریق عیان‌کردن وجوهی از تجربه که تاکنون مغفول مانده‌اند. به‌علاوه، در پس چنین میل همه‌چیزخواه نسبت به تنوع، ممکن است انگیزه‌ای عمیق‌تر نهفته باشد. این انگیزه را می‌توان حرمت نهادن به پدیدارها نامید. وحدت نهفته در پس روال‌ها و شیوه‌های پدیدارشناسانه را می‌توان کوششی سرسختانه خواند برای نگرستن به پدیدارها و وفادار ماندن به آن‌ها، حتی پیش از آنکه به پدیدارها بیندیشیم.

تمرکز پدیدارشناسی، بر کشف چگونگی تجربه افراد از پدیده‌ای خاص استوار است. محقق پدیدارشناس، به دنبال کشف آن است که چگونه افراد معنای تجربه‌شان را می‌سازند و اینکه چگونه معناها ساخته شده هر یک از این افراد، در کنار هم به معناهای گروهی یا فرهنگی شکل می‌دهند. ارزش پدیدارشناسی، در اولویت‌بندی و بررسی چگونگی تجربه جهان توسط انسان‌هاست. اینکه بیمار چگونه بیماری را تجربه می‌کند، معلم چگونه تعلیم‌دادن را تجربه می‌کند، دانش‌آموز چگونه موفقیت یا شکست را تجربه می‌کند و ما چگونه شیوه‌های جدید تعامل با دیگران و جهان را تجربه می‌کنیم.

تحلیل پدیدارشناسانه تفسیری، نوعی رویکرد به تحلیل کیفی است با گرایش روان‌شناسانه خاص به اینکه مردم چگونه از تجاربشان معناسازی می‌کنند. تحلیل پدیدارشناسانه تفسیری، مستلزم آن است که محقق موارد را به صورت جزئی، بازتابی و دست اول، از مشارکت‌کنندگان دریافت و جمع‌آوری کند. تحلیل پدیدارشناسانه تفسیری، رویکردی است جاافتاده و از نظر پدیدارشناسانه، متمرکز برای تفسیر این موارد. ماحصل مطالعه پدیدارشناسانه تفسیری یکی، «دادن صدا» (تحصیل و بازتاب مدعیات و علایق اصلی مشارکت‌کنندگان) و دیگری «دادن معنا» (ارائه تفسیری از این مواد اطلاعاتی که ریشه دارد در موارد مختلف؛ اما استفاده از مفاهیم روان‌شناسانه ممکن است آن‌ها را به ورای این موارد بسط دهد) است. تحلیل پدیدارشناسانه با درک تجارب زیسته فرد و با کشف ارتباط یا پیوند فرد در رویداد یا فرایندی خاص مرتبط است.

در نهایت، بداعت کل رویکرد پدیدارشناسانه مبتنی بر تأثیر غالب انگیزه حرمت‌نهادن به پدیدارهاست. آنچه پدیدارشناسی را از سایر روش‌ها متمایز می‌کند، مرحله خاصی نیست که می‌پرورد یا به آن‌ها می‌افزاید؛ بلکه روحیه حرمت‌نهادن فلسفی به منزله نخستین و مهم‌ترین هنجار فلسفه‌ورزی است.

منابع

- اسپیگلبرگ، هربرت (۱۳۹۷). جنبش پدیدارشناسی درآمدی تاریخی، (مسعود علیا، مترجم). انتشارات مینوی خرد.
- دریفوس، هیوبرت و رابینو، پل (۱۳۸۲). میشل فوکو فراسوی ساختگرایی و هرمنوتیک، (حسین بشیریه، مترجم)، تهران: نشر نی.
- مورن، ادگار (۱۳۷۴). روش، طبیعت طبیعت (علی اسدی، مترجم)، تهران: انتشارات سروش.
- میچل، ملانی (۱۳۹۲). پیچیدگی، (صالح محمد سعادت‌مند، مترجم)، انتشارات شوراآفرین.

References

- Given, L. M. (2008). Volumes 1-2. The SAGE Encyclopedia of Qualitative Research Methods. doi:10.1080/11111111.phdthesis.khordad.98/28.khordad.98/Research-methods-for-everyday-life-blending-qualitative-and-quantitative-approaches.pdf
- Larkin, M. & Thompson, A. (2019). *Interpretative phenomenological analysis*. University of Birmingham.
- Smith, A. J., Flowers, P. and Larkin, M. (2009). *Interpretative Phenomenological Analysis*, Sage Publications.
- Vanderstoep and Johnston, D. D. (n.d.) (2009). *methods for blending qualitative and quantitative Approaches*.

استناد: دیواندری، علی (۱۴۰۱). سخن سردبیر: پژوهش‌های تفسیری و کمک به درک پیچیدگی‌های مدیریت. مدیریت بازرگانی، ۱۴(۳)، ۳۷۷-۳۷۸.